

۷۶ - طلاق و تریص

و نیز در کتاب اقدس است **قوله الاعلی:** "إِنَّ اللَّهَ أَحَبُّ الْوَصْلِ وَالْوَفَاقِ وَأَبْغَضَ الْفَصْلِ وَالطَّلَاقِ" "وَإِنْ حَدَّثَ بَيْنَهُمَا كُدُورَةٌ أَوْ كُرْهٌ لَيْسَ لَهُ أَنْ يُطَلِّقَهَا وَ لَهُ أَنْ يَصْبِرَ سَنَةً كَامِلَةً لَعَلَّ تَسْطَعَ بَيْنَهُمَا رَائِحَةُ الْمَحَبَّةِ وَ إِنْ كَمُلَتْ وَ مَا فَاحَتْ فَلَا بَأْسَ فِي الطَّلَاقِ إِنَّهُ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَكِيمًا وَ الَّذِي طَلَّقَ لَهُ الْاِخْتِيَارَ فِي الرَّجُوعِ بَعْدَ انْقِضَاءِ كُلِّ شَهْرٍ بِالْمُودَّةِ وَ الرِّضَا مَا لَمْ تَسْتَخْصِنِ وَ إِذَا اسْتَخْصِنَتْ تَحَقَّقَ الْفَصْلُ بِوَصْلِ آخِرٍ وَ قَضَى الْأَمْرَ إِلَّا بَعْدَ أَمْرٍ مُبِينٍ¹ وَ الَّتِي طَلَّقَتْ بِمَا ثَبَتَ عَلَيْهَا مِنْكَ لَا نَفَقَةَ لَهَا أَيَّامَ تَرَبُّصِهَا كَذَلِكَ كَانَ نَيْرَ الْأَمْرِ مِنْ أَفْقِ الْعَدْلِ مَشْهُودًا"

و در لوحی است **قوله الاعلی:** "لازال وصل و اتصال لدى الله محبوب و فصل و انفصال مبعوض خذوا ما احببه الله و امرکم به انه يعلم و یری و هو الامر الحکیم"

و از حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی مرکزی ایران است **قوله العدل:** "اما در خصوص کراهت بین زوج و زوجه از هر طرفی کراهت واقع حکم تریص جاری در این مقام حقوق طرفین مساوی امتیاز و ترجیحی نه"

و **قوله المطاع:** "راجع بتأدیه مخارج لازمه در مدت تریص حکمش راجع به بیت عدل اعظم است و عجاله آنچه را امنای محفل مرکزی قرار دهند محبوب و متبوع و مقبول است"

و در رساله سؤال و جواب است: "و دیگر سؤال از طلاق نموده چون حق جلاله طلاق را دوست نداشته در این باب کلمه ای نازل نشده و لکن از اول فصل الی انتهای سنه واحده باید دو نفس مطلع باشند او ازید و

¹ در عقیده‌های مختلف دنیا همیشه سعی میشد که عقد زناشویی فیما بین زوج و زوجه بحال خود باقیمانده تشکیل خانواده^۱ واحده بدهد ولی معذک این نیت بعوارض و اموری دچار میشد که بقاء آنحالت موجب ناراحتی طاقت فرسا میگشت و ناچار از اجازت طلاق در موارد مخصوصه با رقابت و نظر امنیت عادلانه گردید چنانچه در ممالک شاسعه^۲ مسیحیه با وجود آنکه ظواهر تعلیمات کتابیه عدم رخصت انفکاک بود متدرجاً قانون انفصال موقت طرفین آنگاه انفصال دائم وضع شد و بالاخره در کشور فرانسه و بعداً در ممالک دیگر بجز ایتالیا و پرتغال که طلاق نیست ولی علل تفریق از یکدیگر بسیار است طلاق را تحت حدود و قیودی اجازه دادند و محض آنکه عوارض مذکوره از طرف از هر یک از زوجین ممکن است پیش بیاید هر دو در پیشنهاد طلاق مساوی قرار گرفتند

هم شهداء اگر در انتهاء رجوع نشد طلاق ثابت باید حاکم شرعی بلد که از جانب امنای بیت العدل است در دفتر ثبت نماید ملاحظه این فقره لازم است لئلا یحزن به افئدة اولی الالباب² "

و از حضرت عبدالهء در خطابى باقا نصر الله شهميزادى است قوله الجليل: " اما مسأله طلاق لابد باید باطلاع حکومت یا معرفت ارباب نفوذ باشد و الا محاذیر واقع در هر صورت نکاح و طلاق باید در تحت مرکزی نافذ جاری گردد تا اگر طرفین اختلال خواهند مقتدر نباشند بلکه مجبور باطاعت باشند "

و از حضرت ولی امرالله خطاب به محفل مرکزی ایران است قوله المطاع: " راجع بمسأله طلاق آنچه در کتاب اقدس و سؤال و جواب مسطور است باید اجراء گردد جزئیات ثانویه غیر منصوصه راجع بامنای بیت عدل اعظم است در وقت حاضر ثبت طلاق در سجل محفل و دفتر رسمی دولت بکمال دقت و اختصار لازم و واجب "

و در ابلاغیه ای است: " راجع بورقه طلاق که بضمیمه تقدیم نموده بودید مورد تصویب حضرتشان واقع شد "

و از حضرت عبدالهء خطاب به بهائیان امریکا است قوله الجليل: " باری در ایران مسأله طلاق پیش بنهایت سهولت تحقق می یافت در میان ملت قدیمه متصل بواسطه امر جزئی طلاق واقع میگردید چون انوار ملکوت تابید نفوسی که از روح بهاء الله زنده شدند بکلی از طلاق اجتناب نمودند حال در ایران در میان احبای طلاق واقع نمیگردد مگر آنکه امر مجبری در میان آید و ایتلاف مستحیل باشد در اینصورت نادراً طلاق واقع گردد حال احبای امریک نیز باید بر این روش و حرکت سلوک نمایند از طلاق نهایت اجتناب داشته باشند مگر آنکه سبب مجبری در میان آید که طرفین از یکدیگر بیزار گردند و باطلاع محفل روحانی قرار بر فصل دهند و یکسال باید صبر و تحمل کنند اگر در ظرف این یکسال ایتلاف حاصل نشد طلاق واقع گردد نه اینکه به مجرد ادنی تکدر و اغبراری که در بین زوج و زوجه واقع زوج با زن دیگر بفکر الفت افتد و یا نعوذ بالله زوجه

² در قرآن است قوله: و عاشروه من المعروف فان کرهتموهن فعیس ان تکرهوا شیئاً و يجعل الله فیہ خیراً کثیراً و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و آیتیم احدین قنطاراً فلا تاخذوا منه شیئاً أتأخذون بهتائناً واثماً مبیناً و کیف تأخذونه و قد افضى بعضکم الی بعض و اخذن منکم میثاقاً غلیظاً. و قوله: و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلیها ان بریدا اصلاً یوق الله بینهما. و قوله: و ان امرأة خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً فلا جناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر.

نیز در فکر زوجی دیگر افتد این مخالف عصمت ملکوتی و عفت حقیقی است احبای الهی باید نوعی سلوک نمایند که دیگران حیران مانند زوج و زوجه باید الفتشان جسمانی محض نباشد بلکه الفت روحانی و ملکوتی باشد این دو نفس حکم یک نفس دارند و چقدر مشکل است یک نفس از هم جدا شود ... اگر سبب طلاق یکی از این دو باشد البتّه ... بوبال عظیمی گرفتار گردد "

و قوله الجمیل: " فی الحقیقه انسان باید بویا قیام نماید و ثبوت و استقامت بنماید علی الخصوص بقربین و همنشین خویش و همدم و ندیم خود زیرا حقوق در بین ایندو قدیم و محکم و متین و انسان آنچه بکوشد از عهدهٔ اکمال بر نیاید ولی بقدر امکان قصور نشاید "

و از حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی مرکزی ایران است قوله الصّواب: " امر طلاق بسیار مذموم و قبیح و مخالف رضای الهی است آنچه از قلم حضرت عبدالیهاء در این خصوص نازل بین عموم یاران انتشار دهند و کلّ را بیش از پیش متذکّر دارند اجرای حکم طلاق مشروط بتصویب و اجازهٔ امنای محفل روحانی است باید در این قضایا اعضای محفل مستقلاً بکمال دقت تمعّن و تجسّس و تفحص نمایند اگر چنانچه عذر شرعی موجود و اتّحاد و ایتلاف بهیچوجه من الوجوه ممکن نه و تنفّر شدید و اصلاح و دفع آن محال طلاق و افتراق را تصویب نمایند "

و راجع بآیهٔ جواز رجوع زوج بزوجهٔ مطلقهٔ خود در هر ماه قوله المطاع: " تنفیذ حکم اصطبار و احکام دیگر که منصوص کتاب از فرائض حتمیهٔ بهائیان و تخلّف بهیچ وجه جائز نه "

و راجع بازدواج بعد از طلاق قوله المطاع: " اجرای عقد لازم و اعطای مهریه واجب "

و راجع بنفقه در مدّت اصطبار منتهی بطلاق که به میل زوجه صورت گرفته باشد قوله الصّریح: " در هر حال نفقه را باید زوج بر حسب حکم کتاب تأدیه نماید "

و در رساله سؤال و جواب است:

"سؤال: هر گاه زمان اصطبار منقضی شود و زوج از طلاق دادن امتناع نماید تکلیف ضلع چیست
 جواب: بعد از انقضای مدّت طلاق حاصل ولکن در ابتداء و انتهاء شهود لازم که عند الحاجة گواهی دهند .
 سؤال: در مدّت اصطبار هر گاه متضوّع شود رائجهُ حَبّ و باز کراهت حاصل شود و در ظرف سنه گاه کراهت
 و گاه میل و در حال کراهت سنه باخر رسد در اینصورت افتراق حاصل است یا نه
 جواب: در هر حال کراهت واقع شود از یوم وقوع ابتدای سنه اصطبار است و باید سنه باخر رسد

سؤال: در باب طلاق که باید صبر شود یک سنه اگر رائجهُ رضا و میل بوزد از یکطرف و طرف دیگر نوزد
 حکم آن چگونه است

جواب: حکم برضایت طرفین در کتاب اقدس نازل اگر از هر دو طرف رضایت نباشد اتّفاق واقع نه سؤال
 اگر شخصی در خیال جلای وطن باشد بالفرض و اهل او راضی نشود و منجر بطلاق گردد و ایام تدارک سفر
 طول کشد تا یک سنه آیا از ایام اصطبار محسوب است و یا آنکه از یوم مفارقت باید حساب شود و یک سنه
 صبر نماید جواب اصل حساب از یوم مفارقت است ولکن اگر قبل از مسافرت بیکسال مفارقت نمایند و
 عرف محبّت متضوّع نگردد طلاق واقع و الا از یوم مسافرت حساب نمایند تا انقضای یک سنه بشروطی که
 در کتاب اقدس نازل شده .

سؤال: بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهر اگر کره واقع شود طلاق بدون اصطبار جائز است یا نه
 جواب: بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهر قبل از قیران اگر اراده طلاق نماید جائز است ایام اصطبار لازم نه
 ولکن اخذ مهر از مرثه جائز نه .

سؤال: اگر در ایام اصطبار اقتران واقع شود و بعد ندامت حاصل گردد آیا ایام قبل از اقتران از ایام اصطبار
 محسوب است و یا آنکه سال را از سر گیرد و آیا بعد از طلاق تربص لازم است یا نه
 جواب: اگر در ایام اصطبار الفت بمیان آید حکم زواج ثابت و باید بحکم کتاب عمل شود و اگر ایام اصطبار
 منتهی شود و بما حکم به الله واقع گردد تربص لازم نه و اقتران مرء با مرءة در ایام اصطبار حرام است و اگر
 کسی مرتکب شود باید استغفار کند و نوزده مثقال ذهب به بیت العدل جزای عمل برساند "

و از حضرت عبدالههء در خطابی است قوله العزیز: " اءا مسأله طلاق میتواند شخص بکلی آنچه موافق رأیش است مجری دارد نهایتش این است که زوجه را یکسال بیسر و سامان نگذارد و این مثل عده است و نهایتش این است که پیش مدت تکلیف نفقه چند ماه بود حال یکسال است و اما اگر جهتین کامل باشند و عوارضی در میان حاصل گردد که سبب برودت شود در فصل تام تعجیل نکنند یکسال صبر نمایند شاید آن عوارض زائل گردد و دوباره الفت حاصل شود "